

قرارداد یا عقد بسیط در حقوق انگلیس

« Simple Contract »

برای آنکه عقد مزبور بنحو صحت واقع گردد وجود شرایط زیرین ضروری خواهد

بود :

اولاً - حصول توافق بین طرفین قرارداد « agreement » اعم از اینکه این توافق با انشاء صریح « express » و یا انشاء ضمنی حاصل شود.

ثانیاً - وجود اراده در ایجاد روابط حقوقی « Intention to create legal relations »

ثالثاً - عوض در مقابل معوض « Consideration ».

توافقی که با انشاء صریح صورت میگیرد باید دارای دو رکن باشد. اول پیشنهاد « offer » از یکطرف و قبول آن « acceptance » از جانب طرف دیگر، مثل اینکه زید بعمر و بگوید این اسب مرا بده لیره میخری؟ و عمرو جواب بدهد آری.

موافقت صریح طرفین عقد ممکن است بطور شفاهی و یا بوسیله نوشته اعم از اینکه نوشته‌ی یاد شده رسمی و یا عادی، خصوصی و یا عمومی باشد، حاصل شود، و حتی ممکن است توافق بوسیله نامه‌ای حاصل شود که فاقد امضاء باشد.

هر گاه توافق حاصله بین طرفین بوسیله‌ی انشاء صریح نباشد از قرائن و امارات موجود هم میتوان دریافت که بطور ضمنی بین طرفین قراردادی منعقد شده است.

مثلاً: از طرز رفتار طرفین یا وجود اوضاع و احوال بخصوصی مانند وجود مذاکرات قبلی بین دو طرف قرارداد و یا اوضاع و احوالی موجود باشد که قانون فرض کند بین طرفین بموجب عرف محل قرار دادی منعقد شده است.

شخصی که در یک مزایده‌ی علنی شرکت میکند و نرخی پیشنهاد می‌نماید طبیعی است که این پیشنهاد او بین آنستکه خواستار کالای عرضه شده بقیمتی که پیشنهاد میکند میباشد، هر چند لفظی را بزبان نمیآورد بجز رقمی را که پیشنهاد میکند، در این صورت اگر دلال چکش را فرود آورده و یا طبق معمول زنگ را بصددا در آورد، طرز رفتار دلال نشان میدهد که پیشنهاد مشتری را قبول کرده است و درست مانند آنستکه بمشتری بگوید پیشنهاد ترا قبول میکنم.

یا شرکت حمل و نقل مسافر با براه انداختن وسائل نقلیه‌ی خود در خیابانها بمنظور سوار کردن مسافرین بمنزله آنستکه شرکت آمادگی خود را برای حمل افراد بنقاطی که در مسیر آن قرار گرفته است در ازاء اجرت معینی اعلام کند.

قرارداد یا عقد بیط

در این صورت اگر کسی از وسیله‌ی عمومی یاد شده استفاده کرد مبین آنستکه پیشنهاد شرکت را قبول کرده است و این خود توافق ضمنی است بر اینکه اجرت معینی در مقابل طی مسافت معینی پرداخت شود.

همینطور اگر شخصی از دیگری بخواهد که عملی را برای او انجام دهد یا اینکه کالای مخصوص و مورد نظر او را برایش ارسال دارد، مثل اینکه شخصی از نجاری بخواهد که برخی از ائانه‌های او را تعمیر نماید.

یا اینکه از بقال سرگذر بخواهد که پاره‌ای از کالاهای مورد نظر او را برایش بفرستد در هر دو مثال متقاضی بطور ضمنی تعهد میکند که اجرت معقولی Quantum «merit» را در مقابل تعمیری که صورت گرفته پیر دازد یا ثمن معقولی «Quantum valebant» را در ازاء کالاهای ارسالی دهد هر چند توافق صریحی دایر بر پرداخت اجرت یا قیمت در بین نباشد (پیر دازد).

برای آنکه بتوان بر پیشنهاد مزبور آثار حقوقی مترتب ساخت و بالحقوق قبول طرف عقد را واقع شده تلقی کرد باید وجود اراده‌ی پیشنهاد کننده در حین پیشنهاد محرز باشد بعبارة آخری صرف تصریح بقصد معینی بدون اینکه اراده‌ای در بین باشد کافی برای وقوع عقد نخواهد بود.

پیشنهاد مؤثر و قابل قبول آنچنان پیشنهادی است که پیشنهاد کننده بوسیله‌ی آن بخواهد که پیشنهاد او منجر بقبول طرف گردد. بطوریکه هر یک از طرفین ملزم باشند که بمفاد قرار داد عمل کنند.

اما صرف تصریح بعقد معینی بدون آنکه منظور تصریح کننده دایر بلحقوق قبول طرف احراز گردد نمیتواند قرار داد صحیح و لازم الاتباعی را بوجود آورد.

دلالتی بنام نکرسون در یکی از روزنامه‌ها اعلان کرده بود که بمنظور فروش مقداری ائانه عنقریب مزایده‌ی علنی‌ای در شهر ادسوندز صورت خواهد گرفت.

هاریس نامی از لندن برای شرکت در مزایده‌ی یاد شده بشهر ادسوندز مسافرت کرد، ولی هنگامیکه بدانجا رسید مشاهده نمود که از فروش ائانه مزبور صرفنظر شده است.

بلافاصله هاریس علیه آقای نکرسون دادخواستی تقدیم داد گاه کرد که بموجب آن مدعی بود که نکرسون با این عمل خود بر خلاف مقررات قرار داد عمل کرده و باید خسارات وارده با او جبران نماید، زیرا سفر او بشهر ادسوندز باید بمنزله‌ی قبول پیشنهاد نکرسون تلقی شود.

ولی داد گاه از قبول دادخواست او خودداری کرده و قرار رد دعوی و یرا صادر نمود، بدین دلیل که اعلان نکرسون جز اعلام صرف چیزی نمیشد، و پیشنهاد مزبور آنچنان پیشنهادی نیست که در صورت قبول طرف، عقد صحیح و لازم الاتباعی را بوجود بیاورد.

در صورتیکه در دعوی دیگری شخصی بنام هارسون اعلان کرده بود که «زمینی بدون آنکه حد اقل بهای آن تعیین شده باشد بفروش میرسد» و منظور وی از این عبارت آن

قرارداد یا عقد بیط

بود که زمین یاد شده بکسیکه بالاترین قیمت را پیشنهاد کند تعلق خواهد گرفت ، وارلو نامی که یکی از شرکت کنندگان در مزایده بود بالاترین قیمت را پیشنهاد کرد ، ولی آقای هارسون از فروش زمین منصرف شد و کار آندو بداد گاه کشید ، داد گاه مقرر داشت که اعلام مزایده از طرف آقای هارسون پیشنهاد صحیحی است که بالحقوق قبول طرف عمل بمفاد آن برای طرفین قرارداد الزامی است ، زیرا بمجرد اینکه آقای وارلو بالاترین قیمت را پیشنهاد کرد عقد صحیح و لازم الاتباعی بین طرفین منعقد گشت .

دعوت طرف بتقدم پیشنهاد « Invitation to make an offer »

حال باید دید که آیا صرف دعوت طرف باینکه در صورت مایل بودن پیشنهاد خود را تقدیم کند ، بفرض تقدیم پیشنهاد مزبور قانونی خواهد بود یا خیر یا بعبارة اخری با اعلام قبول طرف عقد صحیحی بوجود میآید یا نه ؟

برای روشن شدن موضوع مفاد اعلانی را که معمولاً بمنظور وارد کردن کالا در روزنامه ها چاپ میشود ذکر میکنیم در این نوع اعلانات خاطر نشان میشود که « هر کس که مایل است در مناقصه ی شرکت کند پیشنهاد خود را تقدیم کند » و ضمناً اعلام کننده شرط میکند که قبول پیشنهاد بنازلترین قیمت برای وی الزامی نیست .

این قسم پیشنهاد با اعلام قبول طرف عقد لازم الاتباعی را بوجود نمیآورد بلکه دعوت صرفی است که بمنظور تقدیم پیشنهاد از طرف مقابل بعمل آمده است و پس از تقدیم پیشنهاد دائر باظهار تمایل نسبت بشرکت در مناقصه و قبول دعوت کننده ی اولی عقد بنحو صحت واقع میشود ، بعبارة اخری برای وقوع عقد باید مجموعاً یک پیشنهاد و دو قبول واقع شده باشد .

هارفی نامی بشخص دیگری بنام فیسی تلگرافی بدین مضمون میکند . « آیا یکی از حظیره های خود را که در مبرهول واقع باشد میفروشی ؟ و در صورت فروش حد اقل بهای آنرا تلگرافی بما اطلاع بده » فیسی پاسخ میدهد که : « حد اقل قیمت یک حظیره در مبرهول نهصد لیره است » هارفی قیمت یاد شده را بوسیله ی تلگراف قبول کرده و ضمناً خاطر نشان میسازد که سند مالکیت آنرا برای ما ارسال بدار .

اما آقای فیسی باین تلگراف اخیر هارفی پاسخی نمیدهد و پس از ارجاع امر بداد گاه داد گاه مقرر میدارد که عقدی بین طرفین واقع نشده است ، زیرا آقای هارفی در تلگراف اول خود از آقای فیسی دو سؤال کرده است یکی اینکه آیا میفروشی ؟ و دیگری آنکه حد اقل قیمت آن چقدر است ؟ .

ولی آقای فیسی اظهار نداشته است که « قبول کردم به نهصد لیره بفروشم » و در واقع نسبت بفروش و یا عدم فروش هیچگونه اظهاری نکرده است که مبین علاقه او باشد و جز بسؤال دوم آقای هارفی پاسخی نداده است ، برای این بود که داد گاه در رأی خود مقرر میداشت که تلگراف دوم از طرف هارفی پیشنهاد صرفی است که بمنظور خرید بمبلغ نهصد لیره صورت گرفته است بدون آنکه با قبول آقای فیسی توأم گشته و در نتیجه عقدی را بوجود بیاورد .

قرارداد یا عقد بیط

معروض الیه باید از پیشنهاد طرف کاملاً آگاه گردد

قبول پیشنهاد وقتی بنحو صحت انجام خواهد گرفت که پیشنهاد با اطلاع معروض الیه رسیده و از مفاد آن کاملاً آگاه گردد و الا هیچگونه الزامی را در بر نخواهد داشت. مثلاً اگر زید اعلام بدارد که هر کس شیئی مفقود او را بیابد و بوی رد کند جایزه‌ی مالی ای نزد او خواهد داشت و اتفاقاً عمرو آن شیئی را یافته و بدون آنکه از اعلان زید اطلاعی داشته باشد باو رد نماید عمرو نمیتواند زید را ملزم کند که جایزه‌ی موعوده را بوی بپردازد.

حال باید دید که چه کسی میتواند معروض الیه «The offeree» واقع شود؟ معروض الیه ممکن است یکفرد معین و یا فردی از افراد طبقه‌ی معین (مثلاً یکنفر از سپاهیان) باشد و همچنین ممکن است برای تمام جهانیان باشد، در این صورت اگر پیشنهاد برای فرد معینی شده باشد قبول باید از طرف همان فرد انجام بگیرد، و اگر برای طبقه‌ی خاص و معینی باشد قبول آن از طرف یکنفر که جزء آن طبقه است صورت میگیرد و بالاخره اگر برای جهانیان باشد قبول آن از طرف هر فردی از افراد اجتماعات جهانی صورت میگیرد.

پیشنهاد مزبور در موارد زیر اثر قانونی خود را از دست میدهد:

- ۱ - وقتی که طرف قبولی خود را اعلام دارد.
 - ۲ - وقتی که طرف آنرا رد کند.
 - ۳ - وقتی که پیشنهاد کننده از پیشنهاد خود منصرف گشته و آنرا ملغی الاثر اعلام نماید.
 - ۴ - وقتی که در اثر حصول مرور زمان قانونی خود بخود از اعتبار بیفتد.
- پس از رد پیشنهاد یا لغو آن و یا از اعتبار افتادن آن در اثر حصول مرور زمان قانونی دیگر نمیتوان مجدداً آنرا قبول نمود، بدیهی است تا زمانی که قبول طرف اعلام نشده میتواند پیشنهاد را لغو کرد.
- لغو پیشنهاد ممکن است با اعلام صریح پیشنهاد کننده صورت بگیرد، و یا بموجب تصرفاتی که بطور ضمنی حاکی از لغو پیشنهاد باشد.
- آگاه ساختن طرف از لغو پیشنهاد بهر طریق و با هر وسیله‌ای که صورت بگیرد صحیح و لازم الاتباع خواهد بود، ولی بهر حال قبل از اعلام آن بمعروض الیه نمیتواند دارای اثر قانونی باشد.

بنابراین انصراف از پیشنهاد اگر بوسیله‌ی نوشته صورت بگیرد بمجرد وصول نوشته بدست معروض الیه و اطلاع از مضمون آن پیشنهاد از اعتبار خواهد افتاد و نه از زمان ولحظه‌ای که نوشته انشاء و ارسال میشود.

تعهد و التزام پیشنهاد کننده باینکه پیشنهاد تامدت معینی بقدرت قانونی خود باقی باشد هیچگونه التزامی برای وی ایجاد نمیکند مگر اینکه معروض الیه نیز متقابلاً چنین پیشنهادی را بنماید.